

## در بازی فریب و دغل کاری و دروغ فرموده‌اند وقت رسیدن به قله‌هاست

## وقت شکست در پلن آخر آمده وقت لجن زدایی از این کشور آمده

فرشته پناهی - شاعر

### پلن آخر

فرشته پناهی  
شاعر

با چشم و گوش رفته و کور و کر آمده  
خورده است تیر و تخم دو چشمش در آمده  
آن دیگری نحیف شده در فشار حبس  
عکسش اگر چه مثل خمیری ور آمده!

بیچاره مرد گنده که از ترس و استرس  
با پاچه‌های خیس و دو چشم تر آمده  
مانند گاو چاق که قحطی کشیده است  
در خواب دیده آب شده، لاغر آمده

مانند مارمولک دم‌کنده آن یکی  
پایش جدا شده است و دوباره در آمده  
آن دیگری که خرمن گیسوش رازندند  
با تیغ ظلم ریخته مویش، گر آمده

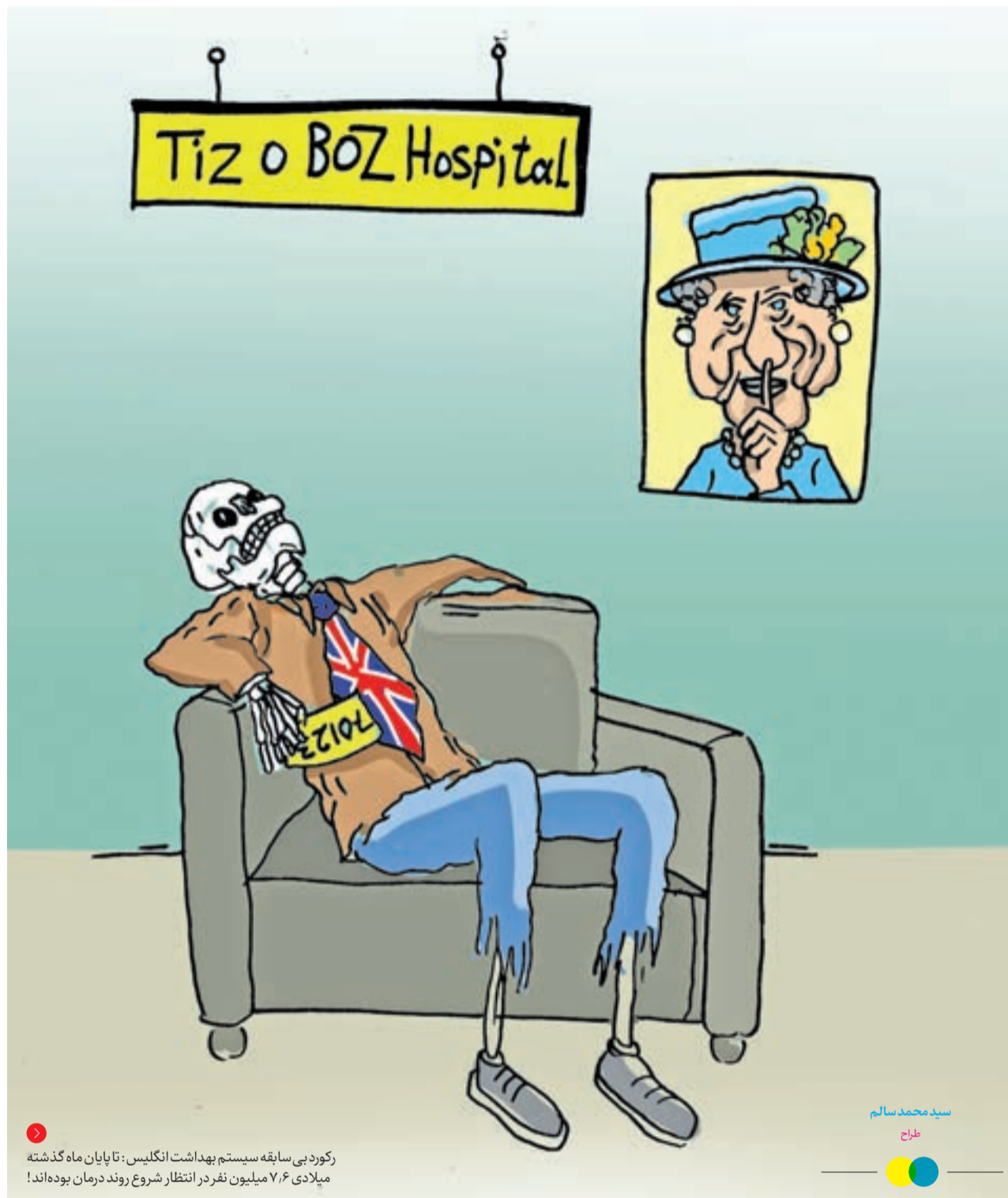
مانند شیر با دم و با یال رفته است  
چون جوجه مردنی بدون پر آمده  
باید رسیدگی بکند یک نفر به وضع  
از ظلم چون که کاسه صبرم سر آمده

ای وای سوتی است دوباره!! چه تابلو...!  
نیروی اغتشاشو به کل ابتر آمده  
آقدر بی حواس شده موقع توثیت  
تصویر آتنا عوض اصغر آمده!

آن کس که گفته بود که مرده است مادرش  
توی توثیت باز که با مادر آمده!!  
آن تیر غیب خورده چرا باز زنده شد!!  
سرحال و از همیشه خود بهتر آمده

نقش بر آب شد همه نقشه‌ها چه زود  
وقت فضاخت خفنی دیگر آمده  
چون بادبادکی که پراز باد فتنه بود  
سوراخ گشته بدرقم و پنجر آمده

در بازی فریب و دغل کاری و دروغ  
وقت شکست در پلن آخر آمده  
فرموده‌اند وقت رسیدن به قله‌هاست  
وقت لجن زدایی از این کشور آمده



رکورد بی سابقه سیستم بهداشت انگلیس: تا پایان ماه گذشته  
۷،۶ میلیون نفر در انتظار شروع روند درمان بوده‌اند!

### چای سرد

سامره حبیبی  
شاعر

غرق هستی در جهان اغتشاش  
ای زبان تو زبان اغتشاش  
رفته‌ای باسرفرو در نقش خود  
صحنه ساز داستان اغتشاش  
قارقارت چهل کلاغ قصه‌هاست  
ای کلاغ آسمان اغتشاش  
دشمنان خارجی گولت زدند  
تا شوی از دوستان اغتشاش  
امنیت بازبچه دستان توست  
گشته‌ای آتش فشان اغتشاش  
نانت از آتش بیاری می‌رسد  
جان مردم هست نان اغتشاش  
پول باد آورده‌ای که بیش نیست  
یک قران و دو قران اغتشاش  
اعتقادات وطن را خواستی  
له نمایی با ژبان اغتشاش  
آرزویت بود گردد کله پا  
کشورت با یک تکان اغتشاش  
شادی دشمن عزای هم وطن  
هست اینها ارمغان اغتشاش  
کور خوانده هر که خوابی دیده است  
که بماند در امان اغتشاش  
نمره‌اش صفر دوکوشی بیش نیست  
هر که داده امتحان اغتشاش  
چای سردی نوش جانش می‌شود  
هر که خورد از استکان اغتشاش

درباره سالگرد دامی که  
قالب پنیری بر مرغی دگر

### دو واحد سواد رسانه‌ای و روباهی

بهزاد توفیقی فر  
شاعر

زاغکی قالب پنیری دید ولی به راهش  
ادامه داد چون مدت‌ها بود که زاغکی  
دیگر قالب پنیری مورد نیاز خودش را  
از لبنیاتی سرکوجه می‌خرید یا بعضی  
وقت‌ها که حوصله داشت خودش  
در خانه پنیری زد که بال‌های  
آدم بازی می‌کرد. در همین موقعیت  
حساس کنونی، به‌روبه جلوی  
زاغکی سبزشد و تعظیم بلند بالایی  
کرد و خواست شروع کند به شعر  
چه سری، چه دمی، عجب پایی که  
دید زاغکی قالب پنیری رو برنداشت.  
با تعجب پرسید: «چرا قالب پنیری  
دید، به دهان نگرفتی و زود  
نپریدی؟» زاغکی گفت: «برو این دام  
بر زاغکی دگر نه! اون وقتی که روباه  
چشم‌آبی چیزی می‌انداخت و ما  
به دهان می‌گرفتیم، دو واحد سواد  
رسانه و تفکر رو پاس نکرده بودیم»  
روبه جواب داد: «حداقل به عکس  
می‌گرفتی استوری می‌کردی. خیلی‌ها  
با همین استوری پنیرو گندیده و  
پیتزای کپک زده، اقامت باغ گرفتن  
والان دارن با شغال و کفتار ماهی کلی  
دلار حقوق می‌گیرن. باور نمی‌کنی از  
دم‌بیم پیرس» زاغکی با بال راستش  
توی دهن روباه زد و درحالی که به  
راه خودش ادامه می‌داد گفت: «اون  
وقتی که تو و دم‌بیم نخست‌وزیر  
جابه‌جایی کردین، کشور ما دست  
شاه چمدون به دست بود.»



### دیا لوگ حدسی

آقایون، به میمنت و مبارکی عضویت ایران، اول به پا  
جلو به پا عقب حالا برعکس.  
مرضیه سادات آل ایوب

همه با هم: اندک اندک، اندک اندک،  
جمع مستان می‌رسند.  
جواد قره محمدی

- بغلی بگیر  
- چیو بگیرم؟

«محمد کوره‌پز»

ناز قدم عضو جدید پیمان  
سرها همه پایین، بفرما ایران

فرشته پناهی